

تحلیلی بر استراتژی ساماندهی و اسکان عشایری ایران (تبیین جغرافیایی نظام ساماندهی و استقرار عشایر کشور)

نبی الله رشنو

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران



چکیده:

عشایر و بروز پدیده کوچ‌نشینی با تکیه بر دام و مرتع به‌عنوان محصول مساعدت‌های جغرافیایی و همجواری ایران با سایر ملل و اقوام کوچ‌نشین، همواره در فرایندها و ابعاد متعدد اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی از جایگاهی مشخص در تفکرات متولیان امور جامعه برخوردار بوده‌اند. این روند در دنیای فن سالار نوین و معاصر هزاره سوم بشری که عمدتاً تعاملات جوامع در عرصه‌های جغرافیایی بر مبنای معیارها و رویکردهای ژئواکونومیک تبیین می‌گردند، سبب گردیده است تا اولویت اصلی در تعیین ظرفیت توسعه ناحیه‌ای، منطقه‌ای، ملی و حتی جهانی نظام‌های اجتماعی و ممالک بر اساس میزان و نحوه تعاملات ادراکی آن‌ها از محیط جغرافیایی تعیین گردد. لذا بررسی جایگاه و اثربخشی نظام زیستی عشایر به‌عنوان بخشی موثر از واقعیات نظام اجتماعی ایران در فرایند ترسیم سطوح توسعه با تاکید بر معادله هزینه - فایده اقدامی ضروری برای تصمیم‌سازی و خلأی مورد اهتمام برای تصمیم‌گیران در زمینه سیاست‌گذاری‌های کلان‌کشوری است. این امر چنانچه با تکیه بر پژوهش‌ها و یافته‌های آکادمیک مورد تحلیل و بازبینی قرار گیرد، می‌تواند برطرف‌کننده بسیاری از موانع عدم تحقق توسعه پایدار و همه‌جانبه در کشور باشد.

واژگان کلیدی: نظام اجتماعی، بنیادهای محیطی، سطوح توسعه، استراتژی، تعاملات عشایری، ساماندهی، اسکان،

مزیت نسبی.

مقدمه:

یکی از انگیزه‌های اساسی انسان رفع گرسنگی و یافتن خوراک و انتخاب نوعی روش معیشتی متناسب است. انسان برای ادامه حیات، مجبور به حرکت و جابه‌جایی است. حرکت گروه‌های عظیم انسانی و دامی از سرزمین‌هایی به سرزمین‌های دیگر به استقرار دائمی انسان در محیط جدید منجر شده است.

کشور ما ایران بنا به موقعیت جغرافیایی خاص خود به ویژه در سمت شمال و شمال شرقی که مدخل ورود اقوام کوچ‌نشین بوده است در همان ابتدا این پدیده را تجربه کرده است و متعاقباً مظاهر اجتماعی، فرهنگی؛ تاریخی، سیاسی و اقتصادی آن را پذیرفته است. از این رو ایران یکی از مهم‌ترین نقاط با رویکردها و کار ویژه‌های خاص ژئوپولیتیک عشایری جهان محسوب می‌شود.

علاوه بر موقعیت جغرافیایی ایران باید به موقعیت نسبی آن؛ یعنی مجاورت با آسیای مرکزی، عربستان و هند که خود در پیدایش زندگی کوچ‌نشینی موثرند اشاره کرد. اهمیت موضوع فقط در پیدایش شکل خاصی از معیشت انسان‌ها نیست، بلکه در پیدایش نمادهای فرهنگ کوچ‌نشینی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از این رو فرهنگ کشور تا حدود بسیار زیادی تحت تاثیر مجموعه‌ای از عملکرد خرده فرهنگ‌های عشایری قرار گرفته است.

از طرف دیگر چه قبل و چه بعد از اسلام به ویژه بعد از حکومت دویست ساله خلفا در ایران، اغلب حکومت‌های ایران از به قدرت رسیدن ایل‌ها به وجود آمده‌اند، نظیر حکومت‌های سلجوقیان، مغولان، تیموریان، صفویه، قاجاریه، افشاریه و... بنابراین فرهنگ و فرآیندهای ناشی از گسترش نظام زیستی مبتنی بر کوچ‌نشینی نه تنها موجب پیدایش این شیوه از تحرکات انسانی - اقتصادی در این کشور شده و هنوز هم با آن مواجه است بلکه تاثیرات فعلی اجتماعی و سیاسی این روند با دیرینه سازمان نظام اجتماعی عشایری در کشور، خود از مطالبی است که بر اهمیت توجه و تحلیل موضوع ساماندهی و اسکان عشایر می‌افزاید.

۱- اهداف و مبانی تحقیق:

محققین نظرهای گوناگونی درباره پدیده کوچندگی و نقش تطبیقی آن با حیات زیستی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نظام‌های عشایری در محیط‌های جغرافیایی ارائه نموده‌اند. اما بر اساس آنچه که مشهود است، جغرافیای محیط زیست و عوامل طبیعی و محیطی نقش و تاثیر بسزایی در پویایی و تحولات این جامعه دارند، زیرا نظام زیستی عشایری و کوچندگی نوعی سازگاری با محیط تلقی می‌گردد که متناسب با تغییرات شگرف در رشد و توسعه ملی، چنانچه از بسترهای لازم و متناسب برخوردار باشند، می‌توانند هم به عنوان یک نظام اجتماعی با ظرفیت غالب در محیط‌های جغرافیایی و هم نمادی از روند دینامیک شیوه‌های زیست بشری برای عرضه و تبیین در قالب دیدگاه‌های مطالعاتی ارائه نمایند. مع الوصف استراتژی ساماندهی و اسکان عشایری ایران علیرغم ضرورت‌ها و الزاماتی را که با خود به همراه دارد اما در مسیرهای اجرایی نیز با ابهامات متعددی مواجه می‌باشد، به نحوی که نگرش تحلیل‌گران، طرح‌ها و تدابیر ساماندهی و اسکان عشایری کشور را می‌توان در دو طیف کلی تقسیم‌بندی نمود، یکی مشارکت‌کنندگان در نظریه‌ای که به ضرورت اسکان همه جانبه عشایر و ذوب نظام اجتماعی آن‌ها در مسیر کلی تحولات اجتماعی کشور برای تحقق یک نظام

هماهنگ و همه جانبه برای دستیابی به هم‌نوایی در توسعه یکپارچه و پایدار ملی می‌اندیشند. دیگری پیروان نظریه‌ای که این فرایند را نه تنها عامل دستیابی عشایر به سطحی از سطوح توسعه ملی نمی‌دانند بلکه آن را حرکت و روندی در راستای تخریب بیش از پیش نظام اجتماعی و ظرفیت‌های غالب مشارکت ملی عشایر کشور تلقی می‌کنند. بنابراین چالش عمده این پژوهش این است که استراتژی ساماندهی و اسکان عشایری ایران چگونه می‌تواند در راستای تقویت منافع ملی و تحقق توسعه پایدار و همه جانبه کشور به کار گرفته شود و نهایتاً این که هدف اصلی که برای این بحث می‌تواند مطرح گردد، این است که با توجه به تنوع جغرافیایی حاکم بر سرزمین ایران و نیز عدم بهره‌مندی یکسان تمامی اقشار جامعه از بسترهای جامع توسعه پایدار ملی، ساماندهی و اسکان عشایر به عنوان یک ضرورت باید به گونه‌ای اجرا گردد که سبب همراهی در معطل ماندن و یا تخریب بیش از پیش بخشی از ظرفیت‌های ملی کشور نگردد.

۲- تاملی بر فرایند سامانیابی و اسکان عشایر :

نگاهی هر چند گذرا به تاریخ سامان یابی و سکونت در پهنه وسیع کشورمان ایران بیانگر نوعی انسجام و هم‌نوایی بین عناصر اجتماعی - فرهنگی با ساختارهای کالبدی است. این انسجام و هم‌نوایی به روشنی در مکان استقرار جمعیت سامان یافته، در چهره‌پردازی‌های کالبدی و رخساره‌های عینی آن و از همه عیان‌تر در بقای شیوه زندگی انسانی نهفته در این سرزمین، آشکار و هویدا است.

ساختارهای اسکان همواره، منطبق با پتانسیل‌های متعدد اعم از خصیصه‌های اکولوژیکی حاکم بر ویژگی‌های قومی - فرهنگی و یا الگوهای اقتصادی و معیشتی و همچنین تنش‌ها و فراز و فرودهای سیاسی، مناسب‌ترین آرایش را چه در ابعاد بیرونی و چه در ابعاد و عناصر درونی به‌خود گرفته است. به عبارت دقیق‌تر چنین انطباقی همواره ضامن بقا و رمز تداوم متناسب سامان‌یابی در سرزمین ما بوده و موجبات ایجاد نوعی تعادل متقابل بین انسان و محیط طبیعی‌اش را به‌عنوان یک مزیت نسبی فراهم آورده است.

این حالت متعادل زیستی در دهه‌های گذشته، به‌واسطه بروز عناصر و مولفه‌های نوین تاثیرگذار، از ابعاد مختلف اقتصادی و بنیادهای اجتماعی دچار تحول و دگرگونی‌های اساسی گردیده و متعاقباً، به بروز پدیدارهای کالبدی مختص خود انجامیده است. تحول در سازمان اجتماعی حاکم، ساختارهای اقتصادی و خصیصه‌های زیست‌محیطی در عرصه‌های فضایی ملی، هر چند در گذر زمان، تاثیرات عمده‌ای را بر جای نهاده، لیکن شدت و ضعف آن، به‌واسطه عناصر تقویت‌کننده و یا تضعیف‌کننده محلی و منطقه‌ای اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی، موجب گردیده است که هم‌اکنون ترکیب‌های متفاوتی از اشکال نظام سکونت‌سنتی در حال گذرا و نوین مشاهده گردد که بدین خاطر با عمل مداخله هوشمند و هدایت برنامه‌ریزی شده جهت تسهیل این روابط و به‌سامان کردن آن از طریق الگوهای متنوع و متناسب با مزیت‌های نسبی جغرافیای مناطق و نواحی کشور، می‌توان مشکلات موجود در امر مسکن‌گزینی و مکان‌یابی اجتماعات کوچک و پراکنده متمایل به سامان‌دهی را با چهره‌ای منطقی و معقول مرتفع نمود.

تجربه کنونی ظهور قارچ گونه و غیر نظام‌مند سکونت‌گزینی اجتماعات کوچک و پراکنده حاکی از آن است که درصد بالایی از نقاط روستایی کشور با چنین تصویری از جمعیتی کمتر از ۲۵۰ نفر برخوردارند که این امر

سبب شده تا به دلیل ناتوانی در ساختارهای عملکردی و توان‌های تولیدی خود و عدم انطباق با تحولات رو به گسترش امروزی، هر روز بیش از پیش جایگاه خود را در نظام سلسله مراتبی عملکردی اماکن روستایی کشور از دست بدهند.

روند رو به افزایش فرایند مهاجرت‌های بی‌رویه و به تبعیت از آن تخلیه صدها روستای کشور در حال حاضر نتیجه مستقیم چنین گرایشی به‌شمار می‌رود. این در حالی است که نهادهای دست‌اندرکار عمران و آبادانی روستایی و عشایری، علیرغم تلاش‌های مستمر و بی‌وقفه خود در ارائه خدمات و استقرار نهادهای تولیدی و رفاهی در روستاها و مناطق عشایری و محروم کشور، تاکنون موفق نشده‌اند که به ایجاد یک نظام پویای تولیدی، جهت جلوگیری از روند نامطلوب تخلیه جمعیتی روستاهای کوچک و تخریب‌های وارده به محیط زیست که عمدتاً از طریق بهره‌برداری‌های سنتی و عشایری و غیرنظام‌مند حادث شده، دست یابند، به‌نحوی که با پویایی در مزیت‌های نسبی مناطق و نواحی کشور سبب ارتقای سطوح تولیدی و اشتغال‌زا و رونق اقتصادی در مناطق روستایی و عشایری کشور باشند. (رشنو، ۱۳۷۸، ص ۲۲)

با این وصف صحنه پرآشوب بحران در روستاهای کم‌بضاعت و مناطق عشایری کشور همچنان بر جای خود باقی مانده است و این تفکر نیز کماکان باقی می‌ماند که راه چاره جویی و خروج از بحران فعلی در قید کدام نوع از الگوها و روش‌های برنامه‌ریزی باید یافته شود. آیا می‌توان به تکرار روش‌های اعمال شده در سایر کشورها دل بست و یا چگونه می‌توان سیاست‌ها و تجارب مطلوب دیگران را با تکیه بر مزیت‌های نسبی جغرافیای ایران زمین به خدمت گرفت و از آن‌ها نردبانی به منظور ایجاد بستری مناسب و قابل اعتماد، از نقطه نظر رسیدن به شاخص‌های مناسب توسعه پایدار انسانی، فراهم آورد.

این تجربیات به منزله زبانی گویا که با شفافیت عملکردی نهفته در خود، نارسایی‌های بی‌شمار و تخریب‌های غیرقابل جبران را به پیکره نظام‌های پراکنده و کوچک اسکان یافته موجود وارد آورده است، بر همگان آشکار است و خود تصویری مجسم و ملموس از خطاهای برنامه‌ریزان و متولیان امور عمران و توسعه احتمالی سامان‌یابی‌های مقطعی، بدون ضابطه و اساساً بدون توجه به استعدادها و پتانسیل‌های فضایی و ژئوپلیتیکی جغرافیای ایران زمین می‌باشد که ضرورت دارد عبرتی دلسوزانه و یکبار برای همیشه را از آن آموخت و نیز از آن به‌عنوان آینه‌ای تمام‌نما جهت انجام اصلاحات و تطابق روند اجرایی استراتژی ساماندهی و اسکان عشایر با مزیت‌های جغرافیای کشور بهره‌برداری گردد.

۳- بررسی نظریه‌های ساماندهی و اسکان عشایر کشور:

مقوله ساماندهی و اسکان عشایر کشور و چگونگی تحقق آن از جمله اموری است که به خصوص در مقطع زمانی بعد از انقلاب و در راستای دستیابی به اصول بنیادین انقلاب اسلامی، از جمله با تأکید بر ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار محروم جامعه و نهایتاً دستیابی به بسترهای مناسب برای توسعه همه جانبه و پایدار، همواره به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران عرصه‌های ملی در ادوار متعدد محسوب گردیده است.

طبیعتاً برای نیل به این امر و تحقق استراتژی ساماندهی و اسکان عشایر به‌عنوان یک سیاست کلان و

همه جانبه ملی در جهت ارتقا منزلت اجتماعی عشایر و بهره‌برداری بهینه از پتانسیل‌های متعدد این قشر از جامعه و نیز توزیع عادلانه منابع ملی، شیوه‌ها و راهکارهای اجرائی مختلفی تحت عنوان الگوها و تئوری‌های اسکان عشایر کشور در قالب طرح‌های ملی و استانی اعم از مطالعاتی، عمرانی و خدمات پشتیبانی به کوچندگان و بعضاً با سعی و خطا در مقاطع سیاست‌گذاری مختلف به کار گرفته شدند.

بر این اساس اهم این نظریه‌ها و تاکتیک‌های اجرایی را که تاکنون در جهت تحقق استراتژی ساماندهی و اسکان عشایر کشور به کار گرفته شده‌اند، می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

۳-۱- اسکان خودجوش

در این دیدگاه اهم تدابیر متولیان بر انجام و ارائه خدمات و فعالیت‌های پشتیبانی و نیز تامین برخی امکانات در مقاطع و مسیرهای کوچ گروه‌های عشایری طراحی و ساماندهی شده بود. در این طرح نگاه عمده این بود که با روند طبیعی و به تدریج خانواده‌های عشایری بر اساس فضای موجود، در مناطق بیلاق و قشلاق و یا در مسیر کوچ با ایجاد روستاهای پراکنده و یا در حاشیه روستاهای موجود با حفظ ساختار روستایی - عشایری، به صورت خودجوش اسکان خواهند یافت و متعاقباً در قالب نظام برنامه‌ریزی جامع توسعه ملی مناطق روستایی کشور قرار می‌گیرند.

اما با گذشت زمان و تحولات سیاست‌گذاری آنچه که این فرآیند را مورد تردید قرار داد، سرعت و روند رو به افزایش حاشیه نشینی مخرب در مناطق عشایری کشور و به ویژه در حاشیه شهرهای این مناطق بود. به گونه‌ای که این وضعیت در بعضی از این مناطق سبب تغییر ترکیب جمعیتی و حتی جایگزینی گروه‌های عشایری را با تنش‌آفرینی در روستاها به دنبال داشت.

این حرکت نه تنها بسیاری از پتانسیل‌های بالقوه و به خصوص بالفعل مناطق روستایی و عشایری را به شدت تضعیف نمود، بلکه با گسترش حاشیه نشینی در شهرهای این مناطق، خود سبب رشد چشمگیری بحران‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی در مناطق و نواحی مستعد عشایری کشور گردید.

۳-۲- اسکان برنامه‌ریزی شده:

در این شیوه از برنامه‌ریزی برای ساماندهی و اسکان عشایر کشور، باور عمده سیاست‌گذاران بر این است که عشایر مناطق مختلف با اولویت داوطلب اسکان، ابتدا باید در قالب کانون‌های جمعیتی مورد شناسایی و بررسی جامع قرار گیرند و سپس با یک طراحی مناسب و تامین واحدهای مسکونی مورد نیاز در کانون‌ها و شهرک‌های عشایری که از بسترهای فعالیت اقتصادی ضروری نیز بهره‌مند است، اسکان یابند.

این دیدگاه نیز هم در تئوری و هم در اجرا فارغ از ابهام نبوده است. به نحوی که از یکسو علی‌رغم ظرفیت‌ها و توجه مокدی که به تامین خواسته‌ها و شئون‌های گروه‌های عشایری و نیز رفع چهره محرومیت از مناطق زیست آنان شده بود، اما در برخی از محافل و نگرش‌ها به عنوان تداعی‌کننده سیاست‌های تخته‌قاچو از آن یاد شده است. از سوی دیگر با توجه به تنوع خاص اقلیمی و مزیت‌های نسبی و جغرافیایی سرزمین ایران، نه تنها سبب حذف عشایر از اثر بخشی قابل توجه در چرخه تولیدات اقتصادی و نیز عدم بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های طبیعی و ملی می‌گردد، بلکه اساساً سبب بسترسازی و ایجاد یک زندگی روزمره و غیر اقتصادی برای آن‌ها خواهد شد.

۳-۳- اسکان و کوچ :

نگرش اسکان و کوچ حاصل بررسی‌ها و اظهار نظرهای متعدد در مجامع آکادمیک و مدیریت‌های سیاست‌گذار در امور اجتماعی با تلفیقی از دو دیدگاه اسکان خودجوش و با برنامه می‌باشد. مبنای تحقق و تقویت این نظریه جامع‌نگری و تاکید بر پویایی پتانسیل‌های متعدد گروه‌های عشایری و نیز فعلیت بخشی به مزیت‌های نسبی مناطق و نواحی جغرافیایی کشور است. به گونه‌ای که هم بسترهای مساعد با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مدون برای اسکان داوطلبانه خانوارهای متقاضی اسکان قابل دسترسی است و هم با توجه به تنوع محیطی و مزیت‌های نسبی متعدد جغرافیایی ایران زمین و نیز نحوه زندگی عشایری با تکیه بر حرکت در مناطق بیلاق و قشلاق، تدبیری راهبردی می‌باشد. این فرآیند می‌تواند ضمن بهره‌مندی عشایر از استعداد و زندگی متناسب و نیز خروج آن‌ها از مدار بسته اقتصاد معیشتی روزمره، سبب تحرک جدی در پویایی ظرفیت‌های ملی و فضای جغرافیایی کشور شده و نیز با رفع ابهامات مطروحه در چگونگی ساماندهی به زندگی گروه‌های عشایری، زمینه لازم برای سیاست‌گذاری‌های همه‌جانبه و یکپارچه به منظور تحقق توسعه پایدار ملی را فراهم نماید.

۴- روند سامان دهی و اسکان عشایر در قوانین و احکام جاری کشور (احکام و مستندات):

طرح‌های اسکان عشایری کشور با محوریت مطالعات انجام شده در نقاطی که دارای قابلیت‌ها و پتانسیل‌های طبیعی و مبتنی بر خواست و استقبال عشایر باشند، زمینه مناسب را برای اجرا پیدا می‌کنند. این طرح‌ها در صورت اجرای مناسب و سیستماتیک شامل اقداماتی است که موجب حفظ، بهبود، توسعه، ایجاد اشتغال، احداث حداقل تاسیسات زیر بنایی لازم و مسکن مناسب است که باعث تقویت نسبی تولیدات عشایر خواهند شد.

۴-۱- ساماندهی عشایر در برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی:

بر اساس تکلیف دولت در "بند ۵ تبصره ۷۷" قانون برنامه دوم مبنی بر ساماندهی بیست هزار خانوار عشایری، فعالیت‌های امور عشایری کشور در قالب دو مولفه کلی ساماندهی به کوچ و حمایت از اسکان عشایر داوطلب برنامه‌ریزی گردید.

حمایت از اسکان عشایر داوطلب شامل اسکان در کانون‌های خود جوش و اسکان در کانون‌های هدایتی بوده‌است.

منظور از اسکان خودجوش، ساکن شدن داوطلبانه عشایر در سکونتگاه و نقاط بالقوه‌ای است که راسا انتخاب می‌کنند و در فرایند اسکان از حمایت دستگاه‌های اجرایی بهره‌مند می‌شوند.

منظور از اسکان هدایتی عبارت است از ساکن شدن داوطلبانه عشایر در سکونتگاهی که پس از مطالعات لازم، برای اسکان مناسب تشخیص داده شده باشد. در فرآیند این نوع اسکان ضمن بهره‌مندی از حمایت دستگاه‌های اجرایی، در طی برنامه دوم توسعه تعداد ۹۹۹۱ خانوار در کانون‌های مذکور ساماندهی شده‌اند. (گزارش عملکردهای سالیانه سازمان امور عشایری کشور). به‌طور کلی در برنامه دوم توسعه از مجموع تعهدات مقرر در زمینه اسکان هدایتی تعداد ۹۹۹۱ خانوار عشایری در کل کشور اسکان یافته‌اند.

۴-۲ ساماندهی و اسکان عشایر در برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی:

در بند "ز" ماده ۱۰۹ قانون برنامه سوم توسعه دولت مکلف به ساماندهی حداقل ۴۰ درصد از عشایر کشور گردید. تحقق هدف فوق منوط به تامین اعتبارات پیش‌بینی شده در برنامه و مشارکت فعال و برنامه‌ریزی شده کلیه دستگاه‌های اجرایی ذیربط و غیره بوده است.

۴-۳ عشایر اسکان یافته در کانون‌های هدایتی و خودجوش طی برنامه سوم توسعه:

از ابتدای برنامه سوم تا پایان سال ۱۳۸۱ تعداد ۴۷۸۷ خانوار در کانون‌های توسعه هدایتی و تعداد ۹۸۱۶ خانوار نیز در کانون‌های توسعه خودجوش، ساماندهی و اسکان داده شده‌اند و پیش‌بینی شده بود که تا پایان سال ۱۳۸۳ نیز تعداد ۶۰۰۰ خانوار دیگر ساماندهی شوند. (همایش ملی ساماندهی و اسکان عشایر ایران، اردیبهشت ۱۳۸۳، تهران)

جدول عشایر اسکان یافته در کانون‌های توسعه هدایتی و خودجوش به تفکیک استان طی سال‌های برنامه دوم و سوم

ردیف	استان	جمعیت عشایر	عملکرد اسکان					برنامه دوم	درصد به کل خانوار	در سه سال	پیش‌بینی ۴۰ درصدی برنامه	درصد تحقق
			سال ۷۹	سال ۸۰	سال ۸۱	جمع به سال	درصدی برنامه					
	جمع	۱۹۸۰۶۳	۲۷۲۰۰	۱۳/۷	۶۵۳۲	۴۰/۷۵	۳۹۹۶	۱۴۶۰۳	۵۱۰۰۰	۲۸/۶		
۱	آذربایجان شرقی	۱۰۶۹۱	۲۷۲	۲/۵	۷۱	۲۴۹	۰	۳۲۰	۳۵۰۰	۹/۱		
۲	آذربایجان غربی	۱۴۲۸۸	۶۳۵	۴/۴	۲۷۳	۲۸۵	۱۰۴۵	۱۶۰۳	۳۰۰۰	۵۳/۴		
۳	اردبیل	۹۳۹۶	۱۵۳۹	۱۶/۴	۳۵۴	۱۴۶	۸۸	۵۸۸	۱۹۰۰	۳۰/۹		
۴	اصفهان	۳۵۱۸	۱۰۶	۳	۲۳	۱۰۳	۱۲۳	۲۴۹	۲۰۰۰	۱۲/۵		
۵	ایلام	۸۸۴۷	۳۴۳	۳/۹	۷۶	۶۷	۳۰	۱۷۳	۲۸۰۰	۶/۲		
۶	بوشهر	۱۲۷۰	۸۳۱	۶۵/۴	۱۷۷	۴۰	۱۰۷	۳۲۴	۶۵۰	۴۹/۸		
۷	تهران	۹۲۳	۴۶۱	۴۹/۹	۶۲	۰	۳۲	۹۴	۱۵۰	۶۲/۷		
۸	بختیاری	۱۱۸۰۸	۳۸۵۱	۳۲/۶	۸۰۳	۱۹۳	۲۹۵	۱۲۹۱	۲۰۰۰	۴۶/۶		
۹	خراسان	۱۵۲۴۶	۷۲۲	۴/۷	۱۷۸	۱۰۰۰	۱۱۰۰	۲۲۷۸	۵۰۰۰	۵۴/۶		
۱۰	خوزستان	۱۸۰۴۱	۷۰۹۸	۳۹/۳	۱۷۶۵	۲۵۰	۴۹	۲۰۶۴	۳۱۰۰	۶۶/۶		
۱۱	سمنان	۲۴۰۴	۲۲۸	۹/۵	۴۱	۰	۰	۴۱	۲۷۰	۱۵/۲		
۱۲	سیستان و بلوچستان	۱۵۳۷۹	۱۴۵۶	۹/۵	۲۴۱	۴۶۴	۳۱۷	۱۱۲۲	۵۰۰۰	۲۲/۴		
۱۳	فارس	۳۴۶۸۳	۲۱۶۳	۸/۸	۶۱۰	۷۹۵	۵۴۳	۱۹۶۸	۶۶۰۰	۸/۲۹/۸		
۱۴	کرمان	۲۱۴۱۷	۵۷۷۴	۲۷	۱۲۶۴	۲۸۸	۰	۱۵۵۲	۷۰۰۰	۲۲/۲		
۱۵	کرمانشاه	۱۰۳۶۰	۳۷۲	۳/۶	۸۸	۵۱	۹۵	۲۳۴	۱۸۰۰	۱۳		
۱۶	ک - بویر احمد	۱۲۴۶۵	۴۰۰	۳/۲	۱۰۳	۴۲	۶۶	۲۱۱	۲۵۰۰	۴/۸		
۱۷	گلستان	۱۳۲۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۰	۰		
۱۸	لرستان	۱۳۶۴۲	۱۳۶۴۲	۶/۱	۲۹۱	۷۷	۷۸	۴۴۶	۳۱۰۰	۱۴/۴		
۱۹	مرکزی	۶۴۶	۶۴۶	۰/۰	۰	۱۰	۰	۱۰	۲۶۰	۳/۸		
۲۰	هرمزگان	۹۳۷	۹۳۷	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۵۰	۰/۰		
۲۱	همدان	۷۷۸	۷۷۸	۱۴/۳	۱۲	۱۵	۸	۳۵	۳۰۰	۱۱/۷		

۴-۴ ساماندهی و اسکان عشایر در برنامه چهارم توسعه ملی:

به استناد بند "ب" ماده ۱۹ قانون برنامه چهارم توسعه، ساماندهی اسکان عشایر با حفظ ارتقای توانمندی‌های اقتصادی باید در حد پنجاه درصد جمعیت عشایر کشور انجام پذیرد و ارقام اعتبارات مصوب سالیانه به صورت صد در صد تخصیص یابد.

۵- اعتبارات تخصیص یافته به ساماندهی و اسکان عشایر:

بر اساس اسناد و مدارک موجود در سوابق و گزارش‌های ارائه شده توسط متولیان امور سیاستگذاری و برنامه‌ریزی ساماندهی و اسکان عشایر کشور، در طی برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی مجموعاً به میزان ۳۹۴۷۷۷ میلیون ریال اعتبار برای ساماندهی و اسکان عشایر تخصیص یافته است. این در حالی است که در همین برنامه و در قالب هر دو شیوه اسکان هدایتی و خودجوش مجموعاً به میزان ۲۷۲۰۰ خانوار از کل جمعیت ۱۹۸۰۶۳ خانواری وقت عشایری کشور اسکان یافته‌اند. به عبارتی این‌گونه می‌توان تحلیل نمود که در طی برنامه دوم توسعه ملی به ازای هر خانوار اسکان یافته عشایری اعتباری به میزان ۱۴۵۱ میلیون ریال معادل ۱۴/۵ میلیون تومان از منابع پولی کشور هزینه گردیده است و به تعبیری دیگر در طی این برنامه با هزینه شدن اعتباری قریب ۴۰ میلیارد تومان به میزان ۱۳/۷ درصد از کل خانوار جامعه عشایری مورد تعهد کشور در برنامه دوم توسعه ملی اسکان یافته‌اند.

شایان ذکر است که این اعتبار تنها شامل آن بخش از اعتبارات تخصیصی می‌باشد که صرفاً در زمینه نیازهای مرتبط با امور اسکان اعم از امور زیربنایی، احداث بناهای مسکونی، الزامات دسترسی، تاسیسات مورد نیاز در کانون‌ها و خدمات شهرک‌های اسکان و نیز در بحث ساماندهی به کوچ از جمله خدمات رسانی و ارائه پشتیبانی به کوچندگان در انجام بهینه مراحل و مناطق کوچ، بدون تفکیک و مجموعاً هزینه گردیده است. این در حالی است که همگام با این اقدامات، ایجاد و گسترش بی‌رویه تشکیلات اداری در قالب ادارات کل امور عشایری در واحدهای استانی و حتی شهرستان‌های تابعه و رشد بی‌رویه بروکراسی اداری که نوعاً به عنوان اقدامی دست و پاگیر برای عشایر و نیز بیگانه با فرهنگ سنتی و نظام اجتماعی آنان از آن یاد می‌شود، خود سبب افزایش نیاز کاذب و صرف اعتبارات جاری حتی بعضاً به مراتب چندین برابر اعتبارات تخصیصی به بخش‌های عمران و امور زیربنایی گردیده است. شواهد و فضای موجود در این زمینه حاکی از آنست که این روند علیرغم سیاست‌های موکد دولت مبنی بر حرکت به سمت کوچک سازی تشکیلات اداری، در طی برنامه سوم توسعه ملی، واحدهای اداری عشایری به مراتب متورم‌تر شده‌اند، که یکی از عوارض مشهود آن افزایش دامن گسیخته هزینه‌های جاری و تضعیف اثر بخشی ترسیم شده در فرایند دستیابی به اهداف و سیاست‌های اصلی دولت در امور عشایری کشور می‌باشد.

در برنامه پنجساله سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی تا پایان سال چهارم برنامه، عملکرد و اعتبارات تخصیصی به امور عشایری کشور در زمینه ساماندهی و اسکان عشایر به میزان ۵۸۴۵۷۶ میلیون ریال می‌باشد. مجموع اعتبار مصوب و ابلاغی سال پنجم برنامه برای همین منظور نیز به میزان ۱۸۹۴۰۸ میلیون ریال بوده است. این در حالی است که در طی سه سال از برنامه که گزارش عملکرد آن جمع‌بندی و منتشر گردیده

است، مجموعاً از میزان تعهدات و اهداف ۴۰ درصدی پیش‌بینی شده برنامه اسکان عشایری در قالب اسکان برنامه‌ریزی شده و خود جوش به میزان ۱۴۶۰۳ خانوار از جمعیت عشایر کشور اسکان یافته‌اند. به عبارتی از مجموع ۵۱۰۰۰ خانوار مورد تعهد در برنامه جهت اسکان، به میزان ۲۸/۶ درصد از اهداف برنامه در طی مدت سه سال محقق گردیده است و به تعبیری دیگر در ارزیابی اعتباری عملکرد برنامه اسکان عشایری کشور برای مدت فوق این‌گونه می‌توان مطرح نمود که مجموعاً برای ساماندهی و اسکان به ازای هر خانوار از جمعیت وقت عشایری به میزان ۲۷۰۶ میلیون ریال معادل ۲۷/۶ میلیون تومان از منابع پولی کشور برای این منظور هزینه گردیده است.

به بیانی دیگر در طی مدت سه سال از برنامه سوم توسعه ملی با هزینه شدن اعتباری قریب ۴۰ میلیارد تومان به میزان ۲۸/۶ درصد از کل تعهدات اسکان جامعه عشایری وقت در قانون برنامه سوم توسعه ملی کشور اسکان یافته‌اند.

۶- به‌سوی آینده: (چالش‌ها و راهکارها)

تعامل بین انسان، دام و مرتع به‌عنوان یک ظرفیت جغرافیایی و اساس زیست و معیشت عشایری و نیز چگونگی بروز و تولید این تعامل در چشم انداز تحقق سطوح توسعه همه جانبه ملی، بستری الزامی در دستیابی به راهبردی موثر برای تبیین روند زندگی عشایری همگام با تغییر و تحولات بنیادی و ساختاری در جامعه می‌باشد.

بر اساس برنامه همایش عشایری که در سال ۲۰۰۴ در کنیا برگزار شد، اکنون قریب ۲۰۰ میلیون نفر به گونه زیست عشایری در جهان زندگی می‌کنند. کشور ایران با ۱/۱۹۷ وسعت کل خشکی‌های جهان جزو مناطق خشک و نیمه خشک دنیاست که این بستر با گستردگی مناسب مراتع امکان بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی را برای استقرار نظام اجتماعی و اقتصادی عشایری مهیا نموده است. به‌نحوی که ما امروزه علیرغم تحولات گسترده و متعدد، کماکان شاهد استمرار و اثربخشی حضور نظام‌های اجتماعی محلی با برخورداری از الگوهای سنتی در جای جای کشور می‌باشیم.

گروه‌های عشایری ایران به میزان ۶۰ درصد از قلمرو سرزمینی و ۸۰ درصد از حوضه‌های آبریز کشور را باجمعیتی حدود ۱/۳ میلیون نفر در قالب ۱۹۹ هزار خانوار، تحت پوشش بیلاق و قشلاق خود قرار داده‌اند. این عرصه استقرار و تعامل به‌عنوان یک استعداد محیطی و ظرفیتی غالب جغرافیایی با بهره‌برداری بهینه از منابع مرتعی، می‌تواند ارزش افزوده ملی قابل توجهی را به همراه داشته باشد. به‌علاوه این عرصه گویای این است که عشایر ضمن این‌که حاملان ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ایران زمین هستند، دارای دام‌های سازگار با ذخایر طبیعی و ژنتیکی بوده و نیز برخوردار از مهارت‌های متناسب و متنوع در تولیدات دامی برای حضوری موثر در چرخه اقتصادی کشور می‌باشند.

۶-۱- چالش‌ها

با نگاهی گذرا به روند اجرایی سیاست‌های مدرن و نیز برخی نگرش‌های سلیقه‌ای به نحوه ساماندهی و اسکان گروه‌های عشایری کشور در قالب استراتژی‌های توسعه ملی و حتی حمایت‌های متعدد و پراکنده از عشایر کشور، می‌توان مشکلات و ابهامات عدیده‌ای را مورد بررسی قرار داد که باز نگری و توجهی خاص به رویکردهای موجود آن در جامعه آستن عبرت‌ها و درس‌های مناسبی برای کارگزاران و طراحان سیاست‌های ملی در وضعیت موجود می‌باشد. در همین راستا اهم چالش‌های قابل تامل در فرآیندهای ساماندهی و اسکان عشایر کشور را می‌توان به شرح زیر مطرح کرد:

۱- با تأثیرپذیری از جریان‌های متعدد و پویایی تحولات جاری در جوامع، گروه‌های عشایری نیز با دگرگونی‌های متعدد و حذف ساختار سنتی خود مواجه گردیده‌اند که تأکید بر تسریع این امر در ایران با توجه به ریشه‌های غیر بومی برخی از مظاهر تحول ناهمسان و روند کند این تحول با وجود بسترهای مساعد جغرافیایی جهت استمرار روند طبیعی اقتصاد عشایری در مناطق مختلف، می‌تواند ره‌آوردی بحران‌زا را به دنبال داشته باشد.

۲- عدم انسجام و هماهنگی در زمینه‌های برنامه‌ریزی و اجرایی سیاست‌های کلان توسعه ملی.

۳- در فرآیند تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، طراحی و اجرای ساختارها و نهادهای زمینه ساز برای حضور و مشارکت همه جانبه عشایر در تدابیر ملی عمدتاً نارسا و بسیار ضعیف است. این در حالی است که نسخه‌های صرفاً دولتی مرگ زود هنگام را برای عشایر به ارمغان آورده است.

۴- مسائل و نیازهای عشایری چند وجهی و چند بخشی است که این پراکندگی سبب تضعیف امور خدمات‌رسانی و ساماندهی به آن‌ها شده است.

۵- در تغییر و تحولات متعددی که کشور با آن مواجه است، مراتع و نیز مسیرهای کوچ و حرکت عشایر با اشغال و مشکلات جدیدی مواجه شده است.

۶- نگرش‌های پراکنده، سلیقه‌ای و سیاسی حاکم بر اوضاع عشایر در ادوار مختلف که به ویژه از سوی متولیان اداری و مدیریت اجرایی امور عشایری کشور اعمال می‌گردند.

۷- فرایند پیچیده تغییرات الگوی زیست و اسکان عشایر الزامات متعددی را طلب می‌کند که این امر در حال حاضر عملاً فاقد یک استراتژی جامع و عملیاتی در کشور می‌باشد.

۸- گستردگی نامتناسب و بی‌رویه تشکیلات اداری مربوطه و عدم توجه به تناسب نیازمندی‌های عشایری با نظام اداری موجود.

۹- عدم پایداری و استحکام ساخت و سازهای مسکونی در کانون‌های اسکان عشایری.

۱۰- عدم آگاهی عشایر نسبت به حقوق اجتماعی خود و ضعف خودباوری و اعتماد به نفس در پیگیری امور.

۱۱- عدم توجه کافی به توسعه ساختارهای نوین از جمله تعاونی‌های سازمان یافته برای پذیرش مسئولیت‌ها و پیگیری امور توسط عشایر به نحوی که زمینه‌ی حذف تصدی‌های دولتی را در امور فراهم نماید.

۱۲- روند مطالعات غیر کاربردی (مطالعه برای مطالعه).

۱۳- گسترش اسکان غیر مولد.

۱۴- در حال حاضر به دلایل متعدد از جمله استمرار اقتصاد معیشتی و فرساینده در کانون‌های اسکان علیرغم پیش‌بینی‌های مطرح شده عملاً نه تنها زمینه‌های تحول تکاملی برای زندگی عشایر مهیا نمیباشد بلکه در این وضعیت با فروش اکثر دام‌ها، امکان شیوه زندگی مرسوم نیز از آن‌ها سلب شده است.

۶-۲- راهکارها،

آنچه که مسلم است، این است که راهکارهای ساماندهی و اسکان عشایر کشور باید در راستای تعامل انسان، دام و مراتع در قالب استعدادهای جغرافیای زندگی عشایری و نیز چگونگی حضور و تولید این تعامل در فرآیندهای تحقق توسعه پایدار ملی تبیین گردند.

زیرا شیوه زندگی دیروز دیگر حافظ این جامعه نیست. موید این ادعا بروز چالش‌های موجود است. این است که این افشار نیز باید از دستاوردهای نوین و پویا بهره‌مند شوند تا نحوه حضور آن‌ها در عرصه‌های ملی بهینه و به‌هنگام شود.

بر این اساس است که امروزه تحقق بسترهای توسعه پایدار و حرکت در جهت دستیابی به شاخصهای توسعه پایدار ملی نه تنها دیگر با تولید معیشتی ممکن نیست بلکه باید با ترسیم یک افق همه‌جانبه‌نگر، به‌ویژه در ابعاد اقتصادی این مهم را با مشارکت فعال عشایر در سطح کشور مهیا نمود. بنابراین از آنجایی که تولید معیشتی پایدار نیست و عدم تعادل، فرسایش و تخریب را بدنبال خود دارد، این‌جاست که باید راهکارها همه‌جانبه‌نگر و پیشگیرانه باشند که این امر نیز توأم با ارائه مداوم خدمات متناسب و روان در قالب یک چشم‌انداز مدون قابل دستیابی است.

مع الوصف اهم راهکارهای جامع برای این امر عبارتند از:

۱- طرح‌های متعدد اجرایی برای عشایر از جمله طرح تعادل دام و مرتع بهتر است با توجه به مزیت‌های نسبی و ویژگی‌های عشایری مناطق و نیز با بهره‌مندی از تجربیات عملی آنان به اجرا در آیند.

۲- ضرورت جدی در بازنگری دقیق از میزان جمعیت عشایری کشور، زیرا آمار دقیق اساس انسجام در برنامه‌ریزی و تحقق اهداف است. امروزه از جمعیت یک میلیون و سیصد هزار نفری مورد ادعای آمارگیران عشایر کشور، بخش عمده آن به دلایل متعدد نیمه کوچرو هستند. این‌جاست که باید با اصلاح و بازنگری مناسب در آمار جمعیت کوچنده کشور روند اسکان آن‌ها نیز بازبینی گردد.

۳- رویکرد اسکان همگام و همراه با ارائه خدمات به کوچندگان باشد.

۴- اسکان باید زندگی همه‌جانبه و بهتر را برای عشایر به ارمغان آورد. که این امر مستلزم نقش آفرینی عشایر در عرصه‌های متعدد ملی است:

۵- سازماندهی و تبیین نظام ساماندهی و اسکان عشایر بر محور حوضه‌های آبریز کشور باشد.

۶- در نظام برنامه‌ریزی کشور به‌طور اعم و بالاخص در امور عشایری، فرآیند برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که اجرای اهداف به‌عنوان برنامه تبیین گردند نه به نحوی که در حال حاضر اجرای برنامه را به‌عنوان هدف تعریف می‌کنند.

- ۷- کمک به ایجاد بسترهای مناسب برای ترویج و رونق کوچ به شیوه ده نشین و کشاورز رمه گردان (ترانسهمانس) در مناطقی که از ظرفیت‌های مناسب برخوردارند.
- ۸- تدابیر اجرایی اسکان متناسب با تنوع مزیت‌های نسبی محیطی و ظرفیت‌های غالب مناطق باشند. به نحوی که از هر گونه نگرش یکسان و طراحی الگوی واحد برای مناطق مختلف عشایری کشور عملاً پرهیز گردد.
- ۹- اسکان عشایر مستلزم تدوین و طراحی یک استراتژی اجرایی همه‌جانبه‌نگر و به‌دور از هر گونه نگرش سلیقه‌ای با بهره‌مندی از زمینه‌های ضمانت اجرایی و نظارت مستمر می‌باشد.

جمع‌بندی نتایج:

اندیشمندان و متفکران را عقیده بر این است که در جهان پر از تحول و تغییر تنها چیزی که تغییر نمی‌پذیرد، تغییر است.

دامنه دگرگونی و تحولات، همه پدیده‌ها و امور را در بر می‌گیرد و گستره آن طبعاً به مقوله عشایر و ابعاد مختلف و مرتبط با آن نیز کشیده شده است.

گروه‌های عشایری کشور ایران تحت شرایط و موقعیتهائی متعدد قرار گرفته‌اند و در سلطه وضعیتی نظام استقرار فعلی خویش را به ناچار تبعیت کرده‌اند که آن حالات و موقعیت‌ها یا به‌طور کلی منسوخ و مطرود شده‌اند و یا به شدت دچار دگرگونی گردیده‌اند.

ورود عاملی به نام تکنولوژی که به تعبیری، نادیده انگاشتن آن، تصادم با آینده محسوب می‌شود، بستری را فراهم آورده که کرانه‌های مختلف حیات عشایری کشور را در نوردیده و آن را با پالایشی اساسی و ساختاری مواجه نموده است.

ساختارهای خاص نظام اجتماعی و زیستی گروه‌های عشایری کشور، گرچه به ناچار با این تحولات در حال همسو و هماهنگ شدن است، ولی به‌طور اساسی و متناسب با ظرفیت‌های غالب محیطی هنوز با آن انطباق نیافته است. از زمره این عدم تناسب، می‌توان به مواردی اعم از کم توجهی به تنوع مزیت‌های نسبی محیطی و اثر بخشی اقتصادی آن در چرخه اقتصاد ملی با اتخاذ تدابیری در جهت متحول نمودن نظام استقرار و معیشت عشایری کشور و نیز به عدم حضور موثر عشایر در رویکردها و روندهای سیاسی و فرهنگی رو به رشد جامعه اشاره نمود.

این است که فضای جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیک ایران نیز علیرغم ظرفیت‌ها و استعدادهای فراوان در تمامی ابعاد، از جمله درک محیط کارکردی مناسب برای زیست عشایری، به لحاظ فقدان برنامه‌ریزی مدون، جزئی از این کل افسار گسیخته می‌باشد.

نظام زیست عشایری ایران در شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در سطحی از تکامل تکنولوژیک تکوین یافته و متکامل گردیده است که اکنون همگی موضوعاتی تاریخی محسوب می‌شوند، بر این اساس قابل پیش‌بینی است که در آینده موضوع عشایر در یک فرایند طبیعی به جاذبه‌های گردشگری کشور تبدیل خواهد شد.

تأثیر رشد و توسعه عوامل متعدد اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک در شکل‌گیری این فرایند و عدم تحقق نسبی ضرورت‌هایی مثل توسعه پایدار موزون، از دلایل دیگری هستند که لزوم پرداختن به تحولات اساسی در کلیه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، معیشت عشایری کشور را اجتناب‌ناپذیر نموده است.

معدالک در شرایط موجود و با تصویرسازی موثر از روندهای پیچیده جامعه جهانی است که می‌توان گفت وجود تنوع گروهی از مهم‌ترین پایه‌های یک جامعه برخوردار از پتانسیل‌های متعدد سیاسی ملی و بین‌المللی است و نیز از این فرایند تعدد و تکثر است که می‌توان به تبیین تفاوت‌های برخاسته از اوضاع جامعه پرداخت. بر این اساس کثرت‌گرایی و تفاوت اعم از قومی، گروه‌های ایل و تباری، فرهنگی، سیاسی و غیره در عین وحدت شاخصترین ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی (انسان محور)، در دست‌یابی به رهیافت‌های دموکراتیک و مطلوب برای مشارکت عمومی در تحقق توسعه ملی به شمار می‌روند.

تجربه تنوع ترکیب فرهنگی ایل و تباری جامعه ایران اسلامی بویژه در طی دهه‌های اخیر به گونه‌ای پیش‌رفته است که این کشور را از بسیاری جهات در دنیای متحول کنونی نسبت به جوامع مشابه آن متمایز و بلکه ممتاز نموده است. جمعیت ایران کنونی که قریب ۷۰ میلیون نفر می‌باشد یکی از متنوع‌ترین جمعیت‌های دنیا از نظر تنوع در تکثر گروه‌های خرده فرهنگ ایل و تباری با بنیادی تاریخی - اعتقادی و منشا ملی واحد می‌باشد.

مع الوصف ویژگی عمده جغرافیای طبیعی ایران یعنی قرارگیری در کمربند خشک کره زمین و کوهستانی بودن پهنه جغرافیایی از یک طرف و موقعیت نسبی این کشور در ارتباط با هم‌جواری با اقوام مجاور در شمال، جنوب، غرب و شرق از طرف دیگر، از جمله عوامل موثر در تنوع فعالیت‌های انسانی و شکل‌گیری معیشت کوچ‌نشینی در طول تاریخ این کشور بوده است. محیط طبیعی ایران اعم از چشم‌انداز کوهستانی، پایکوهی، جلگه‌ای و هموار آن دارای توان‌های بالقوه زیادی است که بخصوص این توان‌های متناسب محیط طبیعی، بهره‌برداری از قابلیت‌های زراعی و مرتعی را با تکنیک‌های متعدد از دیر باز میسر ساخته است. تنوع محیطی ایران نه فقط از ساختمان زمین‌شناسی آن بلکه از شرایط توپوگرافی و اقلیمی نیز متأثر است. به طوری که تنوع عوامل توپوگرافیکی و اقلیمی شرایط اکولوژیکی و زیست محیطی متفاوتی را در کشور موجب گشته است.

یکی از تأثیرات این چشم‌انداز متنوع حضور ساختار اقتصادی کوچ‌نشینان در چرخه اقتصاد ملی است که با محیط جغرافیایی آن‌ها پیوند داشته و برای بارگذاری بهینه تر این شیوه از فعالیت اقتصادی ضرورت دستیابی به راه‌حل‌های عملی برای ایجاد تحول در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عشایر را اجتناب‌ناپذیر نموده است. فعالیت‌های اقتصادی کوچ‌نشینان ایران را می‌توان به ترتیب اهمیت به فعالیت‌های دامداری و تولید محصولات دامی و فراورده‌های لبنی، تولید محصولات کشاورزی، صنایع دستی و فعالیت‌های متفرقه تقسیم نمود.

دامداری به عنوان فعالیت اقتصادی غالب برای بقای زندگی کوچ‌نشینان به شمار می‌رود و جنبه اقتصادی این تولید زیاد را نباید در مقیاس ملی از نظر دور داشت. عشایر با قریب ۳۰ میلیون راس دام، تولیدات

سالانه‌ای معادل ۱۲۰۰ میلیارد تومان را وارد صندوق دولت می‌کنند.

شناخت دقیق و همه جانبه ساختار اقتصادی کوچ‌نشینان و ارائه راه حل‌های متناسب با مزیت‌های نسبی و ظرفیت‌های غالب محیطی در جهت بهبود کیفیت زندگی آنان در فرآیند اقتصاد ملی امری ضروریست. محور عمده این گذر اجمالی در بررسی و تحلیل موضوع مورد بررسی، شناخت بهینه داده‌های موقعیت ژئوپلیتیک ایران در جهت تقویت هر چه سریع‌تر توان‌مندی‌های متعدد ملی و ارتقاء سطح منافع ملی در تعاملات بین‌المللی است.

از مشخصات بارز کوچ‌نشینان ایران، نفوذ مظاهر فرهنگی آن‌ها در غالب شئون این کشور بوده، به طوری که فرهنگ ایران مجموعه‌ای از عملکرد فرهنگ‌های عشایری منطقه است؛ از مصادیق این امر به قدرت رسیدن حکومت‌های سلجوقیان، مغولان، تیموریان، صفویه، افشاریه و قاجاریه توسط کوچ‌نشینان است. در کشور ما حتی در دوره برتری شهرنشینان نظیر حکومت‌های: هخامنشیان، ساسانیان، آل‌بویه و غیره، کوچ‌نشینان علاوه بر تاثیرگذاری بر فرهنگ شهرنشینان، از نظر نژاد، زبان، فرهنگ، مسکن و سایر موارد نیز تاثیر زیادی گذاشته‌اند. در بین کوچ‌نشینان ایران برخی از آنان نظیر: ایل بختیاری کهگیلویه و بویراحمد و بسیاری از ایلات لرستان فرهنگ ایرانی را تاحدی حفظ کرده و به زبان سلیس فارسی گفتگو می‌کنند و در نهایت این که فرهنگ کوچ‌نشینان در طول تاریخ در مقایسه با سایر فرهنگ‌ها صدمه کمتری متحمل شده است.

بر این اساس در تدوین برنامه‌ها و استراتژی مناسب برای اسکان و ساماندهی به زندگی عشایر کشور ضروری است که دو هدف اساسی ساماندهی بمنظور رفاه بیشتر عشایر با تاکید بر روند تحولات و شرایط فعلی کشور و نیز حفظ نقش اقتصادی عشایر در تولید ملی مورد توجه ویژه قرار گیرند.

در حال حاضر بخش اعظم مشکلات ایلات و طوایف عشایری کشور و نارسایی‌های موجود در شیوه‌های تولید سنتی آنان به دلیل عدم توجه به ایجاد زمینه‌ها و اسباب و علل تحول‌پذیری متناسب با جوامع در حال توسعه و حرکت به سوی توسعه پایدار می‌باشد.

تحول جهانی، منطقه‌ای و تحول در سرزمین ملی و یا به بیانی دقیقتر مشکلات امروز عشایر و شیوه تولید معمول آن‌ها این است که به هر دلیل تاکنون از فرصت مناسب برای انطباق شیوه‌های تولیدی خود با مقتضیات زمان و نیز در هماهنگ نمودن خویش با تحولات عظیمی که در ابعاد مختلف اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و خصوصا پیشرفت شگرف علوم و تکنولوژی که در جوامع همجوار و در محیط اطراف زندگی‌شان رخ داده است، محروم مانده‌اند.

اینک شیوه تولید عشایری که بر دامداری شبانی متکی است، زیر چرخ‌های تحول غیر هم‌سان به تدریج تاب و توان و شانس بقای خود را از دست داده است.

گروهی دیروز از این شیوه زندگی دست کشیده‌اند که وجود دهواره‌های پراکنده و نامنظم در نواحی عشایری و حتی در حاشیه دشت‌ها و روستاهای بزرگ موید آن است. گروهی نیز امروز پذیرای تحول‌اند و در پی مفری می‌گردند و گروهی دیگر که هنوز به دلایلی و تحت شرایط محیطی و فرهنگی ویژه‌ای تاکنون امید خود را به ادامه این شیوه زندگی و تولید از دست نداده‌اند، به لحاظ دخالت‌های ناموزون دولت و طراحی یک

اکولوژی تصنعی با مشکلاتی دست به گریبانند که روز به روز بیشتر می‌شود و بالاخره دیر یا زود نه تنها در وضعیت دشوارتری قرار خواهند گرفت، بلکه چنانچه در قالب طراحی و تدوین یک استراتژی تحول همسان و به‌عنوان ضرورتی ملی برای حرکت به‌سوی توسعه‌ای پایدار و همه‌جانبه مورد توجه خاص قرار نگیرند، می‌توان گفت که در دهه آینده و با گستره تناقضات موجود در نگرش‌های مجهول و برنامه‌ریزی‌های سلیقه‌ای و پراکنده شاید حتی دیگر نتوان به‌عنوان جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی ایران زمین آنان را مورد شناسایی قرار داد.

از این‌رو چنانچه مقرر گردیده است که جامعه و تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن، کم‌وبیش به راه مدرنیسم گام نهند، گروه‌های کوچنده عشایری موجود نیز برای این‌که هم به‌عنوان انسان و اندامی از پیکره جامعه ملی و هم به‌عنوان مردمی سخت‌کوش و مولد، از جوامع شهری و روستایی خود عقب نیفتند و دچار فقر و پریشانی و عقب‌ماندگی مادی و معنوی بیشتر نشوند، باید به‌زندگی و به‌خصوص به شیوه تولید خود جهت تازه‌ای بدهند، جهتی که سرانجام در میان مدت و دراز مدت، گام به‌گام آن‌ها را به‌عناصری مولد و متناسب با اوضاع و احوال دنیای علمی و صنعتی امروز تبدیل کند.

منابع و ماخذ :

- ۱- اطلس زیست بوم‌های عشایری کشور ، ۱۳۷۸ ، تهیه و تنظیم دفتر مطالعات سازمان امور عشایری
- ۲- اهلر ز، اکارت ، ۱۳۷۲ ، ترجمه محمد تقی رهنمایی، ایران : میانی کشور شناسی جغرافیایی، انتشارات سحاب.
- ۳- رشنو، نبی الله ، ۱۳۷۸ ، راهبردهای ساماندهی به زندگی عشایر، روزنامه کیهان، شماره ۱۶۵۱۷.
- ۴- رشنو، نبی الله ، ۱۳۷۸ ، نگرشی بر ظرفیتهای توریستی ایران زمین، روزنامه کیهان، شماره ۱۶۶۲۸.
- ۵- رشنو، نبی الله ، ۱۳۷۸ ، ضرورت تحول سازی در زندگی عشایر کوچنده کشور، روزنامه کیهان، شماره ۱۶۶۴۱.
- ۶- رشنو، نبی الله ، ۱۳۸۲ ، مقاله الگوی راهبردی توسعه و عمران روستایی کشور، فصلنامه صدای زاگرس، سال دوم شماره ۳ و ۴.
- ۷- رشنو، نبی الله ، ۱۳۸۱ ، بررسی ژئوپلیتیک خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی در نظام تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران، کمیسیون سیاسی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۸- سازمان امور عشایری ایران ، ۱۳۷۷ - ۱۳۷۳ ، مجموعه گزارش‌های مطالعات جامع زیست بوم‌های عشایری.
- ۹- صفی نژاد، جواد ، ۱۳۷۴ ، کوچی‌های ایران، پیام یونسکو شماره ۲۹۴.
- ۱۰- فصل‌نامه عشایری ذخایر انقلاب ، ۱۳۷۸ ، سال دوم شماره ۴ ، انتشارات عشایری.
- ۱۱- فصل‌نامه عشایری ذخایر انقلاب ، ۱۳۷۸ ، سال دوم شماره ۲.
- ۱۲- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری سال ۱۳۷۷ ، عشایر کوچنده ایران.
- ۱۳- مشیری، سید رحیم ، ۱۳۸۰ ، جغرافیای کوچ‌نشینی، انتشارات سمت.
- ۱۴- مشیری، سید رحیم و مولائی، نصرالله ، ۱۳۷۹ ، درآمدی بر اقتصاد کوچ‌نشینان ایران، نشر قومس.
- ۱۵- موسوی نژاد، ابراهیم ، ۱۳۷۳ ، نشریه زیست بوم، چاپ سازمان امور عشایری.
- ۱۶- کیاوند، عزیز ، ۱۳۶۸ ، حکومت، سیاست و عشایر، انتشارات عشایری.
- ۱۷- همایش ملی ساماندهی عشایر ایران، اردیبهشت سال ۱۳۸۳ ، تهران.
- ۱۸- قوانین برنامه دوم و سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.